

متن کامل سوره زخرف با ترجمه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

حم ﴿١﴾

حاء، میم (١)

وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ ﴿٢﴾

سوگند به [این] کتاب روشنگر (٢)

إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿٣﴾

که ما آن را [به زبان] عربی [فصیح و گویا] قرار دادیم تا [در آن] تعقل کنند؛ (٣)

وَإِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِيَّ حَكِيمٌ ﴿٤﴾

و همانا که آن در امّ الکتاب [که لوح محفوظ است] نزد ما بلند مرتبه و حکیم است. (٤)

أَفَنَضْرِبُ عَنْكُمُ الذِّكْرَ صَفْحًا أَنْ كُنْتُمْ قَوْمًا مُسْرِفِينَ ﴿٥﴾

آیا برای اینکه شما قومی اسراف کارید، قرآن را از شما دور کنیم و بازگردانیم؟! [نه این کار را نمی کنیم تا بندگانمان از هدایت محروم نشوند].

(٥)

وَكَمْ أَرْسَلْنَا مِنْ نَبِيِّ فِي الْأَوَّلِينَ ﴿٦﴾

و چه بسیار پیامبرانی که در میان پیشینیان [که مردمی اسراف کار بودند] فرستادیم [و به سبب اسرافشان از فرستادن پیامبر دریغ نکردیم؛] (۶)

وَمَا يَأْتِيهِمْ مِنْ نَبِيِّ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ﴿٧﴾

ولی هیچ پیامبری به سوی آنان نیامد مگر اینکه او را همواره مسخره می کردند. (۷)

فَأَهْلَكْنَا أَشَدَّ مِنْهُمْ بَطْشًا وَ مَضَى مَثَلُ الْأَوَّلِينَ ﴿٨﴾

پس ما نیرومندتر از این اسراف کاران [زمان تو] را هلاک کردیم و سرگذشت پیشینیان [هلاک شده، در سوره های دیگر قرآن] گذشت. (۸)

وَلَيْنُ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ خَلَقَهُنَّ  
الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ ﴿٩﴾

و اگر از آنان بپرسی آسمان ها و زمین را چه کسی آفریده است؟ قطعاً خواهند گفت: آنها را همان توانای شکست ناپذیر و دانا آفرید. (۹)

الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ مَهْدًا وَ جَعَلَ لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا لَعَلَّكُمْ  
تَهْتَدُونَ ﴿١٠﴾

همان که این زمین را محل آرامش شما قرار داد و برای شما در آن، راه ها پدید آورد تا [به اهداف و مقاصدتان] راه یابید. (۱۰)

وَالَّذِي نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَنْشَرْنَا بِهِ بَلْدَةً مَيْتًا ۚ  
كَذَلِكَ نُخْرِجُونَ ﴿١١﴾

و آنکه از آسمان آبی به اندازه نازل کرد، پس به وسیله آن سرزمینی مرده را زنده کردیم، [و] همین گونه [درقیامت از گورها] بیرون آورده می شوید؛ (۱۱)

وَالَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا وَجَعَلَ لَكُم مِّنَ الْفُلْكِ وَالْأَنْعَامِ  
مَا تَرْكَبُونَ ﴿١٢﴾

و آنکه همه جفت ها را آفرید، و برای شما از کشتی ها و چهارپایان و آنچه که سوارش می شوید پدید آورد، (۱۲)

لِتَسْتَوُوا عَلَى ظُهُورِهِ ثُمَّ تَذْكُرُوا نِعْمَةَ رَبِّكُمْ إِذَا اسْتَوَيْتُمْ  
عَلَيْهِ وَتَقُولُوا سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ  
مُقْرِنِينَ ﴿١٣﴾

تا بر پشت آنها قرار گیرید، سپس هنگامی که بر آنها سوار می شوید نعمت پروردگارتان را به یاد آورید و بگویید: منزه [از هر عیب و نقصی] است کسی که این [وسایل سواری] را برای ما مسخر و رام کرد، در حالی که ما را قدرت مسخر کردن آنها نبود؛ (۱۳)

وَإِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ ﴿١٤﴾

و یقیناً ما به سوی پروردگارمان باز می گردیم؛ (۱۴)

وَجَعَلُوا لَهُ مِنْ عِبَادِهِ جُزْءًا ۚ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَكَفُورٌ مُّبِينٌ  
﴿١٥﴾

و [مشركان سبک مغز] برای خدا از میان بندگانش قطعه ای و جزیی [به عنوان فرزند که از او جدا شده] قرار دادند؛ قطعاً انسان کفران کننده آشکاری است. (١٥)

أَمْ اتَّخَذَ مِمَّا يَخْلُقُ بَنَاتٍ وَأَصْفَاكُم بِالْبَنِينَ ﴿١٦﴾

آیا از آنچه خدا می آفریند، دخترانی برای خود برگرفته و شما را به داشتن پسران برگزیده است؟ (١٦)

وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِمَا ضَرَبَ لِلرَّحْمَنِ مَثَلًا ظَلَّ وَجْهُهُ  
مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ ﴿١٧﴾

و [در صورتی که] چون یکی از آنان را به [ولادت] دختری که شبیه و هم جنس خدا قرار داده مژده دهند در حالی که [دلش] پر از اندوه و خشم است، صورتش سیاه می شود! [چون علاوه بر اینکه دخترداری را دوست ندارد از آن ننگ دارد، اما همین دختر را به عنوان هم جنس و فرزند خدا قلمداد می کند!!] (١٧)

أَوْ مَنْ يُنشَأُ فِي الْحِلْيَةِ وَهُوَ فِي الْخِصَامِ غَيْرُ مُبِينٍ ﴿١٨﴾

آیا کسی را [شریک خدا قرار داده اند] که در زر و زیور پرورش یافته است و [هنگام] مجادله و بحث بیانش روشن نیست؟ (١٨)

وَجَعَلُوا الْمَلَائِكَةَ الَّذِينَ هُمْ عِبَادُ الرَّحْمَنِ إِنَّا شَاهِدُوا  
خَلْقَهُمْ سَتُكْتَبُ شَهَادَتُهُمْ وَيُسْأَلُونَ ﴿١٩﴾

و فرشتگان را که بندگان [خدای] رحمان اند، به پندار خود جنس ماده قرار داده  
اند، آیا زمان آفرینش آنان حضور داشتند [که بر ماده بودنشان گواهی می  
دهند؟] به زودی گواهی آنان [در نامه اعمالشان] نوشته می شود و [درباره آن]  
مورد بازپرسی قرار خواهند گرفت. (۱۹)

وَقَالُوا لَوْ شَاءَ الرَّحْمَنُ مَا عَبَدْنَاهُمْ مَّا لَهُمْ بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ  
إِنَّ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ ﴿٢٠﴾

و گفتند: اگر خدا می خواست ما آنان را نمی پرستیدیم. ادعایشان متکی بر هیچ  
[دلیل] و دانشی نیست [و مایه ای جز جهل و نادانی ندارد]، فقط حدس می زنند  
و دروغ می بافند؛ (۲۰)

أَمْ آتَيْنَاهُمْ كِتَابًا مِنْ قَبْلِهِ فَهُمْ بِهِ مُسْتَمْسِكُونَ ﴿٢١﴾

یا مگر ما پیش از قرآن کتابی به آنان داده ایم که [برای اثبات ادعایشان] به آن  
تمسک می جویند؟ (۲۱)

بَلْ قَالُوا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِمْ  
مُهْتَدُونَ ﴿٢٢﴾

[نه] بلکه [هیچ دلیلی بر حقانیت بت پرستی و شرک خود ندارند، بلکه دلگرمی  
آنان به آیینشان این است که] گفتند: ما پدرانمان را بر آیینی یافتیم و مسلماً ما  
هم با پیروی از آثارشان ره یافته ایم. (۲۲)

وَكَذَلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِنْ نَذِيرٍ إِلَّا قَالَ  
مُتْرَفُوهَا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِمْ  
مُقْتَدُونَ ﴿٢٣﴾

[پیروی کورکورانه و جاهلانه مخصوص اینان نیست] و به همین گونه پیش از  
تو در هیچ شهری بیم دهنده ای نفرستادیم، مگر آنکه سران خوشگذران و  
مست و مغرورش گفتند: ما پدرانمان را بر آیینی یافتیم و ما هم حتماً به  
آثارشان اقتدا می کنیم. (۲۳)

قَالَ أَوْلَوْ جِئْتُمْ بِأَهْدَىٰ مِمَّا وَجَدْتُمْ عَلَيْهِ آبَاءَكُمْ <sup>ط</sup>قَالُوا إِنَّا  
بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ ﴿٢٤﴾

[بیم دهنده] گفت: آیا هر چند من آیینی هدایت کننده تر از آیینی که پدرانتان را  
بر آن یافته اید، برایتان بیاورم؟ گفتند: ما به آیینی که به آن فرستاده شده اید،  
کافریم! (۲۴)

فَانْتَقَمْنَا مِنْهُمْ <sup>ط</sup>فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ ﴿٢٥﴾

در نتیجه از آنان انتقام گرفتیم. پس با تأمل بنگر سرانجام تکذیب کنندگان  
چگونه بود. (۲۵)

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ إِنَّنِي بَرَاءٌ مِمَّا تَعْبُدُونَ  
﴿٢٦﴾

و [یاد کن] هنگامی را که ابراهیم به پدر و قومش گفت: من بی تردید از آنچه  
می پرستید، بیزارم. (۲۶)

إِلَّا الَّذِي فَطَرَنِي فَإِنَّهُ سَيَهْدِينِ ﴿٢٧﴾

مگر کسی که مرا آفریده، که یقیناً او مرا هدایت می کند، (۲۷)

وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿٢٨﴾

و توحید و یکتاپرستی را در نسل های بعد از خود حقیقتی پایدار قرار داد،  
باشد که آنان [به سوی توحید] بازگردند؛ (۲۸)

بَلْ مَتَّعْتُ هَؤُلَاءِ وَآبَاءَهُمْ حَتَّىٰ جَاءَهُمُ الْحَقُّ وَرَسُولٌ  
مُبِينٌ ﴿٢٩﴾

[نه اینکه بازنگشتند و من هم از آنان انتقام نگرفتم] بلکه اینان [که در مکه  
آلوده به بت پرستی هستند] و پدرانشان را [از انواع نعمت ها] برخوردار کردم  
تا آنکه حق و فرستاده ای روشنگر [چون قرآن و محمد] به سویشان آمد؛ (۲۹)

وَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ وَإِنَّا بِهِ كَافِرُونَ ﴿٣٠﴾

و هنگامی که حق به سویشان آمد، گفتند: این جادوست و ما به آن کافریم،  
(۳۰)

وَقَالُوا لَوْلَا نُزِّلَ هَذَا الْقُرْآنُ عَلَىٰ رَجُلٍ مِّنَ الْقَرْيَتَيْنِ  
عَظِيمِ ﴿٣١﴾

و گفتند: این قرآن چرا بر مردمی بزرگ از میان یکی از این دو شهر [مکه و  
طایف] نازل نشد؟! (۳۱)

أَهُمْ يَقْسِمُونَ رَحْمَتَ رَبِّكَ ۗ نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي  
 الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ۗ وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَتَّخِذَ  
 بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُخْرِيًّا ۗ وَرَحْمَتُ رَبِّكَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ  
 ﴿٣٢﴾

آیا آنان هستند که رحمت پروردگارت را تقسیم می کنند؟ ما در زندگی دنیا معیشت آنان را میانشان تقسیم کرده ایم، و برخی را از جهت درجات [فکری و مادی] بر برخی برتری داده ایم تا برخی از آنان برخی دیگر را [در امر معیشت و سایر امور] به خدمت گیرند؛ و رحمت پروردگارت از آنچه آنان جمع می کنند، بهتر است. (۳۲)

وَلَوْلَا أَنْ يَكُونَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً لَجَعَلْنَا لِمَنْ يَكْفُرُ  
 بِالرَّحْمَنِ لِبُيُوتِهِمْ سُقْفًا مِنْ فِضَّةٍ وَمَعَارِجَ عَلَيْهَا يَظْهَرُونَ  
 ﴿٣٣﴾

و اگر [بهره مندی کفار از انواع نعمت های مادی و تهیدستی مؤمنان، سبب] این نبود که همه مردم [به خاطر ضعف ایمان و ناآگاه بودن به حقایق] بر محور کفر امتی واحد شوند، ما برای خانه های کافران به [خدای] رحمان سقف هایی از نقره قرار می دادیم و نردبان هایی که با آن بر بالای خانه ها برآیند.  
 (۳۳)

وَلِبُيُوتِهِمْ أَبْوَابًا وَسُرُورًا عَلَيْهَا يُتَّكِنُونَ ﴿٣٤﴾

و برای خانه هایشان [نیز] درها و تخت هایی [از نقره می ساختیم] که بر آن تکیه زنند، (۳۴)



وَزُخْرُفًا ۚ وَإِنْ كُلُّ ذَٰلِكَ لَمَّا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ۗ وَالْآخِرَةُ  
عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُتَّقِينَ ﴿٣٥﴾

و [برای خانه ها و زندگی آنان] زر و زیور [قرار می دادیم]، ولی همه این ها  
جز کالای اندک زندگی دنیا نیست، و آخرت نزد پروردگارت برای  
پرهیزکاران است؛ (۳۵)

وَمَنْ يَعْشُ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نُقِيضْ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ  
قَرِينٌ ﴿٣٦﴾

و هر کس خود را از یاد [خدای] رحمان به کوردلی و حجاب باطن بزند،  
شیطانی بر او می گماریم که آن شیطان ملازم و دمسازش باشد. (۳۶)

وَإِنَّهُمْ لَيَصُدُّونَهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ مُّهْتَدُونَ  
﴿٣٧﴾

و بی تردید شیطان ها چنین کسانی را از راه خدا باز می دارند، در حالی که  
[با این گمراهی سخت] گمان می کنند راه یافتگان واقعی آنانند؛ (۳۷)

حَتَّىٰ إِذَا جَاءَنَا قَالَ يَا لَيْتَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ بُعْدَ الْمَشْرِقَيْنِ  
فَبِئْسَ الْقَرِينُ ﴿٣٨﴾

تا زمانی که [در قیامت] نزد ما آیند [به شیطانش] گوید: ای کاش میان من و تو  
فاصله و دوری مشرق و مغرب بود، پس بد همنشینی بودی! (۳۸)

وَلَنْ يَنْفَعَكُمْ الْيَوْمَ إِذْ ظَلَمْتُمْ أَنْكُم فِي الْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ  
﴿٣٩﴾

و [به آنان گویند: امروز این گفتگو و آرزوی دوری از شیطان] هرگز به شما سودی نمی دهد؛ زیرا [در دنیا] ستم ورزیدید [و] اکنون همه با هم در عذاب مشترک خواهید بود؛ (٣٩)

أَفَأَنْتَ تُسْمِعُ الصُّمَّ أَوْ تَهْدِي الْعُمْيَ وَمَنْ كَانَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ  
﴿٤٠﴾

پس آیا تو می توانی [دعوتت را] به کران بشنوانی، یا کوران و کسانی را که در گمراهی آشکارند هدایت کنی؟! (٤٠)

فَأِمَّا نَذْهَبَنَّ بِكَ فَإِنَّا مِنْهُمْ مُنْتَقِمُونَ  
﴿٤١﴾

پس اگر تو را از دنیا ببریم، یقیناً از اینان انتقام خواهیم گرفت، (٤١)

أَوْ نُرِيَنَّكَ الَّذِي وَعَدْنَاهُمْ فَإِنَّا عَلَيْهِمْ مُقْتَدِرُونَ  
﴿٤٢﴾

یا [اگر از دنیا ببریم] آنچه را از عذاب به آنان وعده کرده ایم به تو نشان خواهیم داد [در هر صورت ما آنان را عذاب می کنیم]، و بی تردید بر آنان چیره و مسلطیم؛ (٤٢)

فَاسْتَمْسِكْ بِالَّذِي أُوحِيَ إِلَيْكَ إِنَّكَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ  
﴿٤٣﴾

پس به آنچه بر تو وحی شده تمسک بجوی، یقیناً تو بر راهی راست قرار داری؛ (٤٣)

وَإِنَّهُ لَذِكْرٌ لَّكَ وَلِقَوْمِكَ ۖ وَسَوْفَ تُسْأَلُونَ ﴿٤٤﴾

و مسلماً [این] قرآن برای تو و قوم تو مایه تذکر [و شرف و عزت] است، و سپس [درباره آن] بازخواست خواهید شد. (۴۴)

وَاسْأَلْ مَنْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رُسُلِنَا أَجَعَلْنَا مِنْ دُونِ الرَّحْمَنِ آلِهَةً يُعْبَدُونَ ﴿٤٥﴾

و از پیامبرانی که پیش از تو فرستاده ایم بپرس که آیا به جای [خدای] رحمان معبودانی که پرستش شوند، قرار داده ایم؟! (۴۵)

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَأْنَاهُ فَقَالَ إِنِّي رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٤٦﴾

و به راستی ما موسی را با نشانه های خود به سوی فرعون و سران و اشراف قومش فرستادیم، پس گفت: من فرستاده پروردگار جهانیانم؛ (۴۶)

فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِآيَاتِنَا إِذَا هُمْ مِنْهَا يَضْحَكُونَ ﴿٤٧﴾

نهایتاً چون معجزه های ما را برای آنان آورد ناگاه آنان [از روی ریشخند] به آنان می خندیدند. (۴۷)

وَمَا نُرِيهِمْ مِنْ آيَةٍ إِلَّا هِيَ أَكْبَرُ مِنْ أُخْتِهَا ۖ وَأَخَذْنَاهُمْ بِالْعَذَابِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿٤٨﴾

ما هیچ معجزه ای را به آنان نشان نمی دادیم مگر آنکه از مشابهش بزرگ تر بود، و آنان را به عذاب دنیایی گرفتار کردیم، باشد که بازگردند. (۴۸)

وَقَالُوا يَا أَيُّهَ السَّاحِرِ ادْعُ لَنَا رَبَّكَ بِمَا عَهِدَ عِنْدَكَ إِنَّنَا  
لَمُهْتَدُونَ ﴿٤٩﴾

و [وقتی گرفتار شدند] گفتند: ای جادوگر! پروردگارت را بر پایه عهدی که با تو کرده [که اگر ایمان آوریم عذاب را از ما بردارد] برای ما بخوان، که بی تردید ما هدایت خواهیم یافت. (۴۹)

فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِذَا هُمْ يَنْكُثُونَ ﴿٥٠﴾

هنگامی که عذاب را از آنان برطرف می کردیم، ناگاه پیمان می شکستند.  
(۵۰)

وَنَادَى فِرْعَوْنُ فِي قَوْمِهِ قَالَ يَا قَوْمِ أَلَيْسَ لِي مُلْكُ مِصْرَ  
وَهَذِهِ الْأَنْهَارُ تَجْرِي مِن تَحْتِي أَفَلَا تُبْصِرُونَ ﴿٥١﴾

و فرعون در میان قومش ندا داد: گفت: ای قوم من! آیا حکومت و پادشاهی مصر ویژه من نیست و این نهرها از زیر [کاخ های] من به فرمان من روان نیستند؟ آیا [عظمت و حشمت من و فقر و تهیدستی موسی را] نمی بینید؟! (۵۱)

أَمْ أَنَا خَيْرٌ مِّنْ هَذَا الَّذِي هُوَ مَهِينٌ وَلَا يَكَادُ يُبِينُ ﴿٥٢﴾

مگر نه این است که من از این کسی که خوار و بی مقدار است و نمی تواند روشن و گویا سخن گوید، بهترم؟ (۵۲)

فَلَوْلَا أَلْقَى عَلَيْهِ أَسُورَةٌ مِّنْ ذَهَبٍ أَوْ جَاءَ مَعَهُ الْمَلَائِكَةُ  
مُقْتَرِنِينَ ﴿٥٣﴾

[اگر موسی، عزت، سربلندی، کرامت و شخصیت داشت] پس چرا دستبندهای زرین و طلا بر او آویخته نشده است؟ یا چرا فرشتگانی [برای اثبات نبوتش] همراه او نیامده اند؟ (۵۳)

فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَاَطَاعُوهُ ۚ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ ﴿٥٤﴾

پس او قومش را سبک مغز شمرد [و آنان را با وسوسه و اغواگری فریفت و خوارشان کرد] در نتیجه از او اطاعت کردند؛ زیرا آنان مردمی فاسق و نافرمان بودند. (۵۴)

فَلَمَّا آسَفُونَا انْتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَغْرَقْنَاهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٥٥﴾

چون ما را به خشم آوردند از آنان انتقام گرفتیم، پس همه را غرق کردیم. (۵۵)

فَجَعَلْنَاهُمْ سَلَفًا وَمَثَلًا لِلْآخِرِينَ ﴿٥٦﴾

در نتیجه آنان را پیشگامان [دوزخیان] و عبرتی برای آیندگان قرار دادیم. (۵۶)

وَلَمَّا ضُرِبَ ابْنُ مَرْيَمَ مَثَلًا إِذَا قَوْمُكَ مِنْهُ يَصِدُّونَ ﴿٥٧﴾

و چون فرزند مریم [در آیات قرآن به نداشتن پدر به عنوان روح خدا و کلمه الله] مثل زده شد، ناگهان قوم [مشرک و بت پرست] تو نسبت به آن به مسخره و خنده فریاد برداشتند، (۵۷)

وَقَالُوا آلِهَتُنَا خَيْرٌ أَمْ هُوَ ۚ مَا ضَرَبُوهُ لَكَ إِلَّا جَدَلًا ۚ بَلْ هُمْ  
قَوْمٌ خَصِمُونَ ﴿٥٨﴾

و گفتند: آیا معبودان ما بهترند یا او. [ولی] آنان این مقایسه را به عنوان مثل برای تو نزدند مگر از روی جدال بی منطق و ستیزه جویی [تو معبود بودن عیسی را نپذیرفته ای]، بلکه اینان گروهی ستیزه جو [و در جدال باطل بسیار سرسخت] هستند. (۵۸)

إِنْ هُوَ إِلَّا عَبْدٌ أَنْعَمْنَا عَلَيْهِ وَجَعَلْنَاهُ مَثَلًا لِبَنِي إِسْرَائِيلَ  
﴿٥٩﴾

او نبود جز بنده ای که به او نعمت [نبوت و معجزات را] عطا کردیم و وی را برای بنی اسرائیل نشانه ای بزرگ [از قدرت خود] قرار دادیم [تا به وسیله او حق برای آنان روشن شود]. (۵۹)

وَلَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَا مِنْكُمْ مَلَائِكَةً فِي الْأَرْضِ يَخْلُقُونَ ﴿٦٠﴾

[ولادت، نبوت و معجزات عیسی از قدرت ما عجیب نیست] و ما اگر بخواهیم برخی از شما را در زمین فرشتگانی قرار می دهیم که جانشین [صاحب کمالاتی چون خود] باشند. (۶۰)

وَإِنَّهُ لَعِلْمٌ لِلسَّاعَةِ فَلَا تَمْتَرَنَّ بِهَا وَاتَّبِعُونِ ۚ هَذَا صِرَاطٌ  
مُسْتَقِيمٌ ﴿٦١﴾

و عیسی [با ولادتی که ویژه او بود، و با معجزاتی چون شفا دادن کور مادرزاد، علاج بیماری برص، زنده کردن مردگان و دمیدن روح در مجسمه گلی] سبب یقین به قیامت است، پس هرگز در وقوع آن تردید نکنید، و از من پیروی نمایید که این است راه راست. (۶۱)

وَلَا يَصُدَّنَّكُمُ الشَّيْطَانُ ۖ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ ﴿٦٢﴾

و شیطان شما را [از راه راست] باز ندارد، بی تردید او برای شما دشمنی آشکار است. (۶۲)

وَلَمَّا جَاءَ عِيسَىٰ بِالْبَيِّنَاتِ قَالَ قَدْ جِئْتُكُمْ بِالْحِكْمَةِ وَالْبَيِّنَاتِ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي تَخْتَلَفُونَ فِيهِ ۖ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَابْنَ مَرْيَمَ ۚ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿٦٣﴾

و هنگامی که عیسی دلایل روشن آورد، گفت: به راستی من برای شما حکمت آوردم، و تا برای شما [حکم] برخی [از عقاید و احکام] را که در آن اختلاف می کنید بیان کنم؛ بنابراین از خدا پروا کنید و از من اطاعت نمایید. (۶۳)

إِنَّ اللَّهَ هُوَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ ۗ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ ﴿٦٤﴾

بی تردید خدا پروردگار من و پروردگار شماست، پس او را بپرستید که این است راه راست. (۶۴)

فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ ۖ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ عَذَابٍ يَوْمَ إِلِيمٍ ﴿٦٥﴾

از میان امت عیسی گروه هایی [درباره او و دینش] اختلاف کردند [و هر یک چون نسطوریه، ملکانبیه، مرقوسییه و شمعونیه به عقیده ای خلاف حق پای بند شدند، و آیینی غیر آیین مسیح را به عنوان آیین مسیح برگزیدند] پس وای بر کسانی که [به آیات خدا] ستم ورزیدند از عذاب روزی دردناک. (۶۵)

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ  
﴿٦٦﴾

آیا جز این انتظاری دارند که ناگاه قیامت در رسد در حالی که نمی فهمند؟  
(٦٦)

الْأَخِلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ ﴿٦٧﴾  
در آن روز دوستان دشمن یکدیگرند مگر پرهیزکاران. (٦٧)

يَا عِبَادِ لَا خَوْفَ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ ﴿٦٨﴾  
[خدا آن روز به آنان گوید:] ای بندگان من! امروز نه بیمی بر شماست و نه  
اندوهگین می شوید؛ (٦٨)

الَّذِينَ آمَنُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا مُسْلِمِينَ ﴿٦٩﴾  
همانان که به آیات ما ایمان آوردند و همواره تسلیم [فرمان ها و احکام] ما  
بودند. (٦٩)

ادْخُلُوا الْجَنَّةَ أَنْتُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ تُحْبَرُونَ ﴿٧٠﴾  
[ندا آید:] شما و همسرانتان در نهایت خوشحالی و شادمانی به بهشت درآید؛  
(٧٠)

يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِصِحَافٍ مِنْ ذَهَبٍ وَأَكْوَابٍ ۖ وَفِيهَا مَا  
تَشْتَهِيهِ الْأَنْفُسُ وَتَلَذُّ الْأَعْيُنُ ۖ وَأَنْتُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٧١﴾



ظرف هایی از طلا [که پر از طعام است] و جام هایی [زرین که پر از شراب  
طهور است] گرداگرد آنان می گردانند، و در آنجا آنچه دل ها می خواهد و  
چشم ها از آن لذت می برد، آماده است، و شما [ای پرهیزکاران!] در آن  
جاودانه اید. (۷۱)

وَتِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٧٢﴾

این بهشتی است که شما به پاداش اعمالی که همواره انجام می دادید، میراث  
یافتید. (۷۲)

لَكُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ كَثِيرَةٌ مِنْهَا تَأْكُلُونَ ﴿٧٣﴾

شما را در آنجا میوه هایی فراوان است که از آنها می خورید. (۷۳)

إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي عَذَابٍ جَهَنَّمَ خَالِدُونَ ﴿٧٤﴾

بی تردید گناهکاران در عذاب دوزخ جاودانه اند. (۷۴)

لَا يُفْتَرُ عَنْهُمْ وَهُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ ﴿٧٥﴾

[عذاب را] از آنان سبک نگردانند و آنان در آنجا [از نجات خود] نومیدند،  
(۷۵)

وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا هُمُ الظَّالِمِينَ ﴿٧٦﴾

و ما بر آنان ستم نکردیم، ولی آنان خود ستمکار بودند، (۷۶)

وَنَادُوا يَا مَالِكُ لِيَقْضِ عَلَيْنَا رَبُّكَ ۗ قَالَ إِنَّكُمْ مَّا كُنْتُمْ ﴿٧٧﴾

و فریاد می زنند: ای مالک [دوزخ! بگو]: پروردگارت ما را بمیراند [تا از این عذاب نجات یابیم]. [مالک] می گوید: یقیناً شما ماندنی هستید. (۷۷)

لَقَدْ جِئْنَاكُمْ بِالْحَقِّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَكُمْ لِلْحَقِّ كَارِهُونَ ﴿٧٨﴾

به راستی ما حق را برای شما آوردیم، ولی بیشتر شما حق را خوش نداشتید، (۷۸)

أَمْ أَبْرَمُوا أَمْرًا فَإِنَّا مُبْرِمُونَ ﴿٧٩﴾

بلکه آنان کار [توطئه و نیرنگ بر ضد حق] را محکم کردند، پس ما هم کار [عذاب] را بر آنان محکم می کنیم. (۷۹)

أَمْ يَحْسَبُونَ أَنَّا لَا نَسْمَعُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَاهُمْ ۗ بَلَىٰ وَرُسُلْنَا لَدَيْهِمْ يَكْتُبُونَ ﴿٨٠﴾

آیا آنان گمان می کنند که ما رازشان و سخنان در گوشی آنان را نمی شنویم؟ چرا می شنویم و فرستادگان ما [که فرشتگان نویسنده اعمال اند] نزد آنان حاضرند [و اعمالشان و رازهایشان را] می نویسند. (۸۰)

قُلْ إِنْ كَانَ لِلرَّحْمَنِ وَلَدٌ فَأَنَا أَوَّلُ الْعَابِدِينَ ﴿٨١﴾

[به مشرکان سبک مغز] بگو: اگر برای [خدای] رحمان فرزندی بود، من [در این امت] نخستین پرستنده او بودم. (۸۱)

سُبْحَانَ رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا  
يَصِفُونَ ﴿٨٢﴾

منزه است پروردگار آسمان ها و زمین، پروردگار عرش از آنچه [درباره او]  
توصیف می کنند. (٨٢)

فَذَرَهُمْ يَخُوضُوا وَيَلْعَبُوا حَتَّى يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي  
يُوعَدُونَ ﴿٨٣﴾

آنان را واگذار تا [در گفتار و کردار باطل] فرو روند و [با کالای بی ارزش  
دنیا] سرگرم بازی شوند تا آن روزشان را که وعده داده می شوند دیدار کنند.  
(٨٣)

وَهُوَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ إِلَهٌُ وَفِي الْأَرْضِ إِلَهٌُ ج وَهُوَ الْحَكِيمُ  
الْعَلِيمُ ﴿٨٤﴾

و اوست که در آسمان ها معبود [واقعی] است و در زمین هم معبود [واقعی]  
است و او حکیم و داناست. (٨٤)

وَتَبَارَكَ الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا  
وَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٨٥﴾

همیشه سودمند و با برکت است کسی که مالکیت و فرمانروایی آسمان ها و  
زمین و آنچه میان آنهاست، فقط در سیطره اوست و آگاهی [به همه شئون]  
قیامت نزد اوست و به او بازگردانده می شوید. (٨٥)

وَلَا يَمْلِكُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنْ شَهِدَ  
بِالْحَقِّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿٨٦﴾

و کسانی را که به جای خدا می پرستند، اختیار شفاعت ندارند، اختیار شفاعت فقط با کسانی است که [از روی بصیرت] شهادت به حق داده اند و آنان [حقیقت حال کسانی را که می خواهند برای آنان شفاعت کنند] می دانند. (۸۶)

وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَهُمْ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ <sup>صَلَّى</sup> فَأَنَّى يُؤْفَكُونَ ﴿٨٧﴾

و اگر از آنان بپرسی: چه کسی آنان را آفریده است؟ یقیناً می گویند: خدا. پس چگونه [از حق به باطل] منحرف می شوند؟ (۸۷)

وَاقِيلِهِ يَا رَبِّ إِنَّ هَؤُلَاءِ قَوْمٌ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٨٨﴾

و [چگونه از شکایت پیامبر بی خبرند که] می گوید: پروردگارا! اینان گروهی هستند که ایمان نمی آورند؛ (۸۸)

فَاصْفَحْ عَنْهُمْ وَقُلْ سَلَامٌ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ﴿٨٩﴾

بنابراین از آنان روی بگردان و سلام جدایی [را به آنان] بگو، پس [سرانجام شقاوت بار خود و نتیجه کفر و عنادشان را] خواهند دانست. (۸۹)

صدق الله و العلی العظیم

راست خدای بزرگ و بلندمرتبه